

**نوآوری و ابتکار ، شجاعت علمی، اعتماد به نفس شخصی و ملی و کار متراکم و انبوه،
علاج کار پیشرفت علمی ماست.**

- ✓ وقتی می خواهیم درباره ی نیازهای کنونی جامعه ی دانشگاهی و محیط دانشگاهی و علم حرف بزنیم، از دو دیدگاه، با دو زبان می توانیم حرف بزنیم.
- ✓ یک زبان ، زبان تشویق کننده و به حرکت در آورنده و یک زبان، زبان مایوس کننده و دلسرد کننده است. من خواهم این است که اساتید محترم، مسئولان محترم در همه جا آن زبان اول را به کار بگیرند نه زبان دوم را.
- ✓ ما سرعت پیشرفتمان در این چند سال اخیر در دنیا، درجه ی اول است. نه در سطح منطقه.
- ✓ لکن آنی که بالفعل دست ما را گرفته و آن نقطه ای که بالفعل در آن قرار داریم ، چندان راضی کننده نیست.
- ✓ این هر دو واقعیت ، باید کنار هم دیده بشود. هر دو درست است. هم اینکه ما الان کمبودهای زیادی داریم، جایگاهی که ایستاده ایم، جایگاهی نیست که ما را بعنوان یک عنصر ایرانی و مسلمان، و دارای نگاههای بلند به افقهای دور راضی بکند و هم اینکه در عین حال حرکتی که ما کرده ایم، این حرکت ، حرکت بسیار خوب و پرشتابی بوده است. این شتاب را باید نگذاریم کم بشود. البته باید بیشترش هم بکنیم.
- ✓ من حدود یکسال و نیم پیش در یک مجمع علمی گفتم من انتظارم این است که ما پنجاه سال دیگر در دنیا و در سطح عالم، حرف اول علمی را بزنیم. یعنی مرزهای علم را ما تعیین کنیم. کار به جایی برسد که زبان ما - که زبان فارسی است - در دنیا زبان علم بشود.
- ✓ این آن افقی است که جلوی چشم من است . برای اینکه به این افق برسیم، اولاً باید باور کنیم که این می شود. اگر شما که استادید، آن آقا که دانشجو است و آن شخص سومی که مدیر و در راس تشکیلات است، باور نداشته باشد که این کار علمی است ، بدانید قطعاً نخواهیم رسید. باید باور کنیم.

(۱) نگاه خوش بینانه به دستاوردهای علمی در کشور

- ✓ استعداد ما ایرانیها در زمینه علمی، در دنیا اثبات شده است. از طرق مختلف، این معنا تحقیق و بررسی شده است و از نظر من قطعی است .
- ✓ در پیشرفته ترین دانشگاههای دنیا، عنصر ایرانی از متوسط استعدادهایی که در آن دانشگاه بوده سطحش بالاتر است . یعنی متوسط استعداد ایرانی از متوسط استعداد جهانی سطحش بالاتر است.
- ✓ ما در جای خوبی از دنیا قرار داریم، از جمعیت خوبی برخورداریم، با سطح جغرافیایی خوبی قرار داریم و با این نسبتی که ما از لحاظ جمعیت و سطح ارضی جغرافیایی نسبت به کل بشریت و کل عالم داریم، امکاناتمان بالاست و کشور فقیری نیستیم.
- ✓ این ماجرای سلولهای بنیادی که اینها با امکانات کم توانستند به آن دست پیدا کنند و پیشرفتی که در این زمینه کرده اند ... واقعاً جا دارد به عنوان مایه های افتخار ، جلو چشم ما باشد ... شکی نیست که ما در آغاز کاریم. من اول هم گفتم، قدمهای اولیم، باید این قدمها را پی در پی برداریم، باید پیش برویم و باید باور کنیم که «می توانیم» من حرفم این است.

(۲) استعداد ایرانی ، استعداد برتر در جامعه جهانی

✓ آنچه که اساتید ما برای پیشرفت علم، وجهه‌ی همت خودشان باید قرار بدهند. اولاً «شجاعت علمی» در همه بخشهاست. هم در بخشهای علوم انسانی، هم در بخشهای علوم تجربی، هم در بخشهای نزدیک به عمل و فناوری، و هم در بخشهای علوم پایه. نظریه را دنبال کنند، تولید کنند، خلق کنند، ابداع کنند، نقد کنند. چشم بسته و تقلیدی نباید کار را دنبال کرد.

✓ مشکل ما در گذشته همیشه این بوده که در زمینه‌های مختلف - در همه‌ی زمینه‌های علمی - چشم بسته و تقلیدی نگاه می‌کردیم که ببینیم غربیها چه می‌گویند. درست است که غربیها حداقل دو قرن، دو قرن و نیم از ما در حرکت علمی جلو تر بودند و به مناطق خیلی عجیب و باور نکردنی ای هم رسیدند، در این تردیدی نیست. ما هم عقب ماندیم. با همه‌ی افتخارات گذشته ما، به خاطر تنبلیها و سوء سیاستها، در این تردیدی نیست، اما ما از شاگردی کردن پیش کسی که بلد است، ننگمان نمی‌آید. ولی می‌گوییم نباید فکر کنیم که ما همیشه باید شاگرد بمانیم. معنای این نگاه تقلیدی این است: ما همیشه باید شاگرد بمانیم.

✓ نوآوری لازم است. اعتماد به نفس شخصی و اعتماد به نفس ملی در اساتید ما، یک ضرورت است. اولاً استاد ما شخصاً اعتماد به نفس داشته باشد و کار علمی بکند، به آن کار علمی‌اش تکیه بکند و افتخار کند. ثانیاً اعتماد به نفس ملی داشته باشد. قابلیت و تواناییهای این ملت اعتماد داشته باشد. اگر این معنا در یک استاد وجود داشته باشد. این سرریز خواهد شد در محیط درس، در کلاس درس، در انتقال به دانشجو و تاثیر تربیتی خودش را خواهد گذاشت. و ثالثاً پرکاری. ما یک مقداری از ناحیه کم کاریهایمان و تنبلیهایمان ضربه خورده ایم. باید کار کرد و از کار نباید خسته شد.

✓ مسئله‌ی تولید علم و نهضت علم و خط شکنی علمی، خوشبختانه به یک خواست عمومی در محیطهای دانشجویی و علمی تبدیل شده است.

✓ ما هم به پیشرفتهایی که در زمینه‌های مختلف علمی و فناوری داشته ایم مثل انرژی هسته‌ای و غیره به این چیزها افتخار می‌کنیم و همین طور هم که گفتیم، نگاهمان نگاه امیدوارانه است و بعنوان اینکه «ما می‌توانیم».

✓ خط شکنی علمی و عبور از مرزهای علم همچنان در کشور ما، جدی نشده است. ما می‌خواهیم علما و دانشمندان ما، راههای میانبر را پیدا کنند. راههای کشف نشده را از این بینهایت مسیرهایی که در عالم طبیعت وجود دارد و بشر باید یکی پس از دیگر کشف بکند. ما می‌خواهیم راههای کشف نشده را کشف بکنیم. اینی که ما می‌توانیم فلان ابزار فناوری را، فرض کنید سانتریفیوژ را برای کار هسته‌ای، که دیگران قبل از ما، سالها پیش، پیدا کردند و تولید کردند و استفاده و بهره برداری کردند، خودمان بسازیم، البته کار بزرگی است که بدون کمک دیگران توانسته ایم انجام بدهیم و نسلهای جدید آن را تولید کنیم. در این شکی نیست. اما یک کار بکر نیست... من می‌گوییم در زمینه علم و فناوری، آن کاری را که ذهن بشر به آن دست نیافته است آن را وجهه‌ی همت قرار بدهید. و دنبال بکنید. این طوری است که ما خط مقدم علم را شکسته ایم و یک قدم به جلو برداشته ایم. آن وقت می‌توانیم این را ادعا بکنیم و این ممکن است.

- ✓ ما باید تحقیق و پژوهش را در کشور با توجه به نیازهای آن، هدفدار کنیم، یعنی بینیم واقعاً کشور به چه احتیاج دارد و پژوهشها را در جهت نیازها کشور قرار بدهیم. و این لازمه اش این است که ما بانک اطلاعات و مرکزی داشته باشیم. همه بتوانند بدانند چه لازم است چه انجام شده است و چه لازم است برای تکمیل یک پژوهش، تا بتواند این قطعات گوناگون در کنار هم جمع بشود.
- ✓ ما باید نظام اعطای امتیازات علمی را در دانشگاه تطبیق کنیم با این چیزها. والا صرف اینکه مثلاً یک مقاله در یک مجله ی آی . اس . آی منتشر کرده یا چه تعداد مقاله منتشر کرده، کافی نیست. یعنی محقق و پژوهشگر ما نباید برای کسب رتبه ی علمی به دنبال این باشد که مقاله ای را تهیه و تولید کند که برای کشور هیچ فایده ای ندارد و هیچ خلاء یی از خلاء های پژوهشی کشور را پر نمی کند. بله، آن کسی که آن را در مجله چاپ می کند، ممکن است برایش مفید باشد یا برای کس دیگری و جای دیگر مفید باشد، اما برای کشور مفید نیست. این کار را می کند صرفاً برای اینکه رتبه علمی به دست آورد. این نظام باید به هم بخورد، این درست نیست.
- ✓ **نظام اعطای امتیازات علمی و آیین نامه هایی که در این زمینه هست، باید تطبیق کند با همین مطلب که کدام تحقیق، منطبق است با نیاز کشور، کدام تحقیق، تکمیل کننده ی یک زنجیره ی تحقیق و پژوهش است.**

- ✓ تربیت دینی دانشجویان بایستی یکی از اهداف مجموعه ی اساتید دانشگاهی کشور باشد. دانشجو را باید هم متدین و دارای باورهای ملی، همان اعتماد به نفس ملی بار آورد.
- ✓ خلاف این را من گاهی از بعضی دانشگاهها و بعضی از کلاسهای درس می شنوم. استادی می آید طوری درباره ی کشور حرف می زند که دانشجو از اینکه ایرانی است، بیزار می شود. این بی انصافی است. این برخلاف مصلحت این جوان و بر خلاف مصلحت این نسل عمل کرده است.
- ✓ باید جوان را به هویت ملی و باورهای ملی خودش پایبند کرد. طوری که افتخار کند که ایرانی است و افتخار هم دارد. واقعاً افتخار دارد ایرانی بودن. آن هم ایرانی که امروز به خاطر مواضع سیاسی اش و مواضع بین المللی اش در دنیای اسلام، عزیزترین است.
- ✓ خوب، جوان ایرانی به این موقعیتی که دارد، علاوه ی بر موارث فرهنگی تاریخی اش و افتخارات تاریخی اش و علاوه بر استعدادهای موجود کشور - انسانی و طبیعی - چرا دلخوش نباشد؟ چرا او را مایوس کنیم؟ از این چیزها گاهی مشاهده می شود.
- ✓ **اساتید این را جزء وظائف خودشان بدانند. احیاء و رشد بخشیدن به هویت اسلامی و دینی و ایرانی جوانان، یکی از مهمترین مسائل ماست و کمک فراوانی هم به پیشرفت کشور می کند.**
- ✓ **من بر روی « عمق بخشیدن به معرفت دینی » در بین دانشجویان اصرار دارم و بارها هم این گفته شده، منتها بدنه ی دانشجویی، بدنه متبدلی است و به شما هم عرض بکنیم کافی نیست که ما از لحاظ عاطفی احساسی به دین و مظاهر دینی علاقه ای داشته باشیم یا علاقه ای نشان بدهیم، یک وقت هم که وقت استفاده ی از تعلیم و معرفت دینی است. بمانیم و نتوانیم وظیفه مان را تشخیص بدهیم یا از آن ایمان، پشتوانه ای برای عمل پیدا کنیم، این کافی نیست. باید کار معرفتی عمیق انجام بگیرد.**

- ✓ من همیشه در مواجهه‌ی با دانشجویان ، روی آن تکیه می‌کنم و آن « پیدا کردن قدرت تحلیل مسائل و جریانهای مهم کشور » است.
- ✓ سیاست در دانشگاهها به این معناست . ما دو کار سیاسی داریم: سیاست زدگی و سیاست بازی این یک جور کار است. این را من به هیچ وجه تأیید نمی‌کنم، نه در دانشگاه و نه در بیرون دانشگاه . بخصوص در دانشگاه . یکی هم سیاستگری است . یعنی حقیقتاً فهم و قدرت تحلیل سیاسی پیدا کردن. که یکی از وظائف تشکلهای دانشجویی این است.
- ✓ من تأکید می‌کنم، تشکلهای دانشجویی نوع برنامه ریزی و کار را به کیفیتی قرار دهید که دانشجو قدرت تحلیل سیاسی پیدا کند. هر حرفی را به آسانی نپذیرد و هر احتمالی را به آسانی در ذهن خودش راه ندهد یا رد نکند. این قدرت تحلیل سیاسی، خیلی مهم است. ما غالباً خوب این را خورده ایم. نه ما، بلکه ملت‌های دیگر هم بر اثر خطاها و خطبتهایی در فهم سیاسی شان ، گاهی مشکلات را از سر گذرانده اند. این، یک مسئله ی مهم است.

- ✓ نبادا کسی تصور کند که اگر این زبان انتقادی حتی یک کمی تلخ هم باشد . حالا بنده که اینجا نشسته‌ام، ناراحت خواهم شد، نه، اتفاقاً خود این زبان انتقادی هم برخاسته ی از همان نگاه و توقعات آرمانی است و راضی نبودن به آنچه که ما داریم، معنایش میل و گرایش رسیدن به آن چیزی است که نداریم و این درست همان چیزی است که ما می‌خواهیم.
- ✓ بنابراین هم « فکر نو » ، هم « نگاه و توقعات آرمانی » و هم « زبان ویژه ی برخاسته ی از آن نگاه » را داشته باشید. اینها چیزهای خوبی است. و اگر این خصوصیات محفوظ بماند، آن وقت جوان دانشجو نقش موتور را در یک قطار ایفا خواهد کرد. به حرکت در آورنده، پیش برنده و جهت دهنده خواهد بود. والا جوانها هم به وضع موجود – یعنی آنچه که هست – راضی و قانع باشند دیگر پیشرفتی متصور نخواهد بود. باید دائم بخواهند به نقاطی که دست نیافته اند، دست پیدا کنند.

- ✓ ما پیشرفت داشته ایم و در این ریزش و رویشی که نظام اسلامی دارد ، مجموعاً رویش ما از ریزشمان بیشتر بوده است و پیش رفته ایم . ولی همچنان کار در ابتدای خود قرار دارد.
- ✓ ما اول راهیم. ما ابتدای راهیم. اولاً باید نظام را از لحاظ مبانی معرفتی اش کامل کنیم، ثانیاً بنای نظام را باید بر اساس آن مبانی معرفتی کامل کنیم. یعنی نظام اسلامی، دولت اسلامی و کشور اسلامی، هر کدام مترتب بر همدیگر است. اینها همه یکسان و یک چیز نیستند. تا کشور، اسلامی بشود، ما خیلی کار داریم ، تا مکارم اخلاق اسلامی و دانشگاه اسلامی تحقق پیدا کند، راه طولانی ای داریم. اینکه می‌گوئیم اول کار هستیم ، یکی از نشانه هایش این است و از طرف دیگر، این فکر، فکری نیست که در چهارچوب حصار جغرافیایی یک کشور بگنجد و بتواند بماند. این، به طور طبیعی باید انتشار پیدا بکند و عقبه ی عاطفی و فکری ملت‌ها را برای خودش کسب کند.
- ✓ برای اینکه ما بتوانیم به این آینده مطلوب برسیم، احتیاج به نسل جوان با همت پرانگیزی مؤمن تلاشگر کاردان راه بلد داریم. یکی از شرایط اصلی اش مؤمن بودن و متقی بودن است و اینکه می‌گوییم تشکلهای اسلامی و محیطهای دانشجویی، معارف و معرفت اسلامی را در خودشان عمق ببخشند. برای این است که بتوانند این بار سنگین را بر دوش بگیرند و به منزل برسانند و الا نمی‌شود. این نکته و حرف اصلی ما با مجموعه های دانشجویی است.